

محاصره اقتصادی

برای کوبیدن اقلیت‌های اجتماع ، وسیله آسان ، و طریق بی دردسر همان مبارزه منفی است که شالوده آنرا اصل اتفاق واتحاد تشکیل میدهد .

مبارزه مثبت بوسائل گوناگونی احتیاج دارد ، زیرا ناچار باید گروهی رزمنده دست سلاح روز بزنند و بادادن تلفات جانی و مالی ؛ و هموار ساختن صدها مشقات بسوی مقصد پیش روند ؛ ناگفته پینداست که این سنخ مبارزه باصدا هارنج و بلا ؛ هم آغوش است و زمامداران خردمند پس از اتخاذ تدابیر لازمه و آمادگی کامل دست بچنین مبارزه ای میزنند و تا کار دستخوار نرسد ، و چاره منحصر بچنگ نگر در چنین برنامه ای را اجراه نمیکند .

ولی مبارزه منفی درگرو این گونه مطالب نیست ، فقط یک عامل نقش پیروزی را بپنده دارد و آن اتفاق واتحاد شورشیان است که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند .

یعنی گروهی که هدف وایده آل دارد از صمیم دل ، باهم ، هم پیمان و هم قسم ، و متفق و متحد میگردند که همه گونه روابط خود را با اقلیت مخالف قطع کنند ، و خرید و فروش با آنها تحریم گردد ، ارتباط ناشومی موقوف شود ، و در کارهای اجتماعی آنها را دخالت ندهند ، و در امور شخصی با آنها همکاری ننمایند ، در چنین هنگام زمین با آن پهناوری بسان یک زندان کوچک و تنگی میگردد که هر آنی فشار آن آنها را بنا بودی تهدید مینماید .

تاثیر این مبارزه محدود است

اقلیت مخالف در چنین گیرودار ؛ گاهی تسلیم میشوند و از نیمه راه بر میگردند و فرمانبردار اراده اکثریت میگردند ولی ناچار بایست این دسته گروهی باشند که مخالفت آنها روی ایمان به هدف نبوده و مبارزه آنها جنبه ای اصولی و عقیده ای نداشته باشد ، بنظر بدست آوردن ثروت ؛ پستهای حساس و مقامات رسمی ، مخالفت میگردند ، چنین گروه هنگامی

که احساس خطر کردند ؛ و بارنج و در دزدان معاصره رو برو شدند چون محرك روحانی و ایمانی نداشتند ، فقط محرك آنها يك امر مادی بوده ، از این لحاظ لذت کم فعلی را بر لذت بیشتر احتمالی ترجیح داده و تسلیم خواست اکثریت میگردند .

ولی آندسته ای که شالوده مغالفت آنانرا ، ایمان بهدف ، و اعتقاد بآرمان تشکیل میدهد ، هرگز با این بادها نمی لرزند ، فشار معاصره ریشه ایمان آنها را محکمتر میسازد ضربات دشمن را با سپر صبر و شکیبایی پاسخ میدهند .

صفحات تاریخ بشریت ، گواهی میدهد که نیرومندترین عامل برای استقامت و پایداری اقلیتها در برابر اراده اکثریت ، همان نیروی ایمان و اعتقاد است که گاهی باریختن آخرین قطره خون خود ، نقش پایداری و انجام داده اند . و ما برای این گفتار صدها گواه و شاهد در اختیار داریم .

اعلامیه «قریش»

سران حکومت بت پرستی ، از نفوذ و پیشرفت حیرت انگیز آئین یکتا پرستی انگشت تعجب بدندان گرفته و در پی چاره بودند ، اسلام آوردن امثال «حزبه» و تمایل جوانان روشن دل «قریش» و آزادیکه در کشور «حیسه» نصیب مسلمانان شده بود ، بر حیرت و سرگردانی حکومت وقت میافزود ؛ و از اینکه از نقشه های پوشالی خود بهره ای نبردند ، سخت اندوهناک بودند ، بفکر نقشه های دیگری افتاده و خواستند ، بوسیله «معاصره اقتصادی» که نتیجه آن بریدن رگهای حیاتی مسلمانان بود ، از نفوذ و پیش اسلام بکاهند و پایه گزار و هواداران آئین خدا پرستی را در میان این حصار ، خفه سازند . - لذا - سران حکومت عهدنامه ای ببط «منصور بن عکرمه» و امضای هیئت عالی قریش ؛ در داخل کعبه آویزان کرده و سوگند یاد کردند تا دم مرگ طبق مواد زیر رفتار کنند :

- ۱ - همه گونه خرید و فروش با هواداران «محمد» حرام است .
- ۲ - ارتباط و معاشرت با آنان اکیداً قدغن است .
- ۳ - کسی حق ندارد ، ارتباط ناشومی با مسلمانان برقرار کند .
- ۴ - در تمام پیش آمدها باید از مخالفان «محمد» طرفداری کرد .

متن پیمان با مواد فوق باهضاه تمام متنقدین «قریش» رسید و با شدت هر چه تمامتر مورد اجراء گذارده شد ، ؛ یگانه حامی صاحب رسالت «ابوطالب» از عموم خوبشاونندان فرزندان هاشم و مطلب) دعوتی بعمل آورد ، و یاری پیامبر را بردوش آنها گذارد ، و تصمیم گرفت ، که عموم «فامیل» از محیط «مکه» بیرون رفته ، و در دره ای که در میان

کوههای «مکه» قرارداد داشت ، و معروف به «شعب ابی طالب» بود خانه های محقر ، و سبب اینها مختصری در آنها وجود داشت سکونت اتخاذ کنند ، و از محیط زندگی مشرکان دور باشند ، و برای جلوگیری از حمله های ناگهانی «قریش» دید بانهای در نقاط مخصوصی گذاشته تا آنها را از هر گونه پیش آمد گزارش دهند .

این معاصره سه سال تمام طول کشید ، فشار و سختی بعد اعلی رسید ، ناله جگر خراش فرزندان « بنی هاشم » بگوش سنگدلان «مکه» میرسید ، ولی در آنها چندان تأثیر نمیگردد جوانان و مردان ؛ با خوردن یکدانه خرما بسر میبردند و گاهی یکدانه خرما را دونیم میکردند و در تمام این سه سال فقط در ماههای حرام که امنیت کامل در سرتاسر شبه جزیره برقرار میگردید ، بنی هاشم از شعب بیرون آمده و بداد دوسته مختصری اشتغال میورزیدند سپس بداخل دره رهسپار میگردیدند ؛ و پیشوای بزرگ آنها فقط در همین ماهها توفیق نشر و بخش آیین خود را داشت .

ولی ایادی و عمال سران قریش ، در همین ماهها نیز وسیله آزار و فشار اقتصادی آنها را فراهم میآوردند زیرا غالباً بر سر بساطها و فروشگاهها حاضر بودند و هر موقع مسلمانها مایل میگشتند که چیزی را بخرند ، فوراً بقیمت گرانتری خود خریدار آن میشدند و بدینوسیله نیروی خرید را از مسلمانان سلب مینمودند .

در این میان بالغصوب «ابولهب» با فشاری میکرد و در میان بازار فریاد میکشید و میگفت مردم ! قیمت اجناس را بالا ببرید ، تا بیرون معدوم شود و خرید نباشد و برای تثبیت قیمت اجناس ، خود بقیمت گرانتر خرید مینمود ، و بدینوسیله همیشه عقبه ارزش در یک افق بالاتری گردش میکرد .

وضع وقت بار بنی هاشم در شعب

فشار گرسنگی بعدی رسیده بود که سعد بن وقاص میگویی شبی من از میان دره بیرون آمدم ، در حالیکه داشتم تمام قوار از دست میدادم ، ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم ، آنرا برداشتم و شستم و سوزاندم ، و کوبیدم ، و بعد ؛ با آب مختصری خمیر کرده و از این طریق سه روز بسر بردم .

جاسوسان « قریش » در تمام راه مراقب بودند که مبادا کسی خوار و باری به «شعب ابی طالب» ببرد ؛ ولی با این کنترل کامل ، گاه بیگانه ، حکیم بن حزام برادر زاده « خدیجه » و ابوالعاص بن ربیع ، و هشام بن عمر نیمه شبها مقداری گندم و خرما بر شتری بار کرده و تا نزدیکی «شعب» میآوردند ؛ سپس افسار آنرا دور گردنش می پیچیدند ، و درها

میکردند؛ و گاهی همین مساعدت موجب گرفتاری آنها میگردید ، روزی «ابوجهل» دید؛ حکیم مقدار غنای خود را بر شتری حمل کرده ، و راه دره را پیش گرفته است وی سخت بر او برآشفته ، و گفت باید تو را پیش فریش ببرم و رسوا کنم ، کشمکش آنها بطول انجامید «ابوالبختری» که از دشمنان اسلام بود ، عمل «ابوجهل» را تنبیح کرد ، و گفت وی غذای خود برای «عمه» خود (خدیجه) میبرد ، توحق ممانعت نداری ، حتی اکتفاه باین جمله نکرد ؛ و «ابوجهل» را لگدمال نمود .

شدت عمل «قریش» در اجراء عهدنامه ذره ای از صبر و بردباری «مؤمنان» نکاست ولی ناله جانگداز فرزندان و کودکان و وضع وقت بار عموم مسلمانان ، گروهی را تحت تأثیر قرارداد ، و از امضاء عهدنامه سخت پشیمان گشتند و در فکر حل قضیه افتادند .

روزی «هشام بن عمر» ؛ پیش «زهیر بن ابی امیه» که نوۀ دختری عبدالمطلب بود ،

رفت ، و چنین گفت ؛ آيا سازوار است که تو غذا بخوری ؛ و بهترین لباسها را بپوشی ، اما خوبشاوندان تو برهنه و کمرسته بسر ببرند ، بغداد سو گند ؛ هر گاه تو در باره خوبشاوندان «ابوجهل» چنین تصمیمی میگرفتی ، و او را برای اجراء آن دعوت مینمودی هرگز ، تسلیم تو نمیگشت ، «زهیر» گفت من بیکه و تنها نمیتوانم ، تصمیم قریش را بشکنم ، ولی هر گاه مردی با من همراه باشد ، من عهدنامه را پاره میکنم ؛ هشام ، گفت ؛ من با تو همراه می ، وی گفت شخص سومی با ما همراه ساز ؛ وی برخاست ، و سراغ «مطعم بن عدی» رفت و گفت هرگز تصور نمیکنم تو راضی شوی دو گروه (بنی هاشم و بنی المطلب) از فرزندان عبدمناف که تو نیز افتخار انتساب بآن خانواده را داری جامه مرك بنوشند ، گفت چه کنم از یک فرد کاری ساخته نیست ، وی پاسخ داد ؛ دو نفر دیگر هم با تو همراه است و آن دو نفر عبارتند از من و «زهیر» ولی «مطعم» پاسخ داد که باید کسان دیگری نیز با ما همکاری کنند ، از این نظر «هشام» جریان را با «ابی البختری» و «ذمه» بترتیبی که با «مطعم» در میان گذاشته بود ؛ در میان نهاد و آنها را برای همکاری دعوت نمود و قرار گذاشتند که همگی با مدادان در مسجد حاضر گردند .

جلسه قریش ، با شرکت زهیر و گروهی از همرازان او منعقد گردید ، وی مهر خاموشی را شکست و گفت ؛ قریش باید امروز این لکه تنگین را از دامن خود پاک گرداند ؛ باید امروز این نامه ظالمانه پاره گردد زیرا وضع جگر خراش فرزندان هاشم همرا را ناراحت کرده است .

ابوجهل در آن میان گفت ؛ این مطلب هرگز عملی نیست و پیمان «قریش» محترم است

از آن طرف «زمه» بیاری «زهیر» برخاست و گفت بایست پاره شود، و ما از آغاز راضی نبودیم، از گوشه دیگر، عده ای نیز که خود طراحان این جریان و بازیگر این نقشه بودند سخنان زهیر را تایید کردند، ابو جهل احساس کرد که مطلب جدید است و قبل از آن نوشته شده است، و این گروه در غیاب او تصمیم قاطع گرفته اند - لذا کوتاه آمد، و ساکت نشست مطمئناً فوراً از فرصت استفاده نموده و به محل «صحیفه» (نامه ای که پیمان در آن نوشته شده بود) رفت تا آن را پاره کند دید تمام ورقه را موربانه خورده است، و فقط از آن کلمه «بسم الله» که فریش نامه های خود را با آن آغاز می نمودند، باقی مانده است.

ابوطالب، آنروز جریان را از نزدیک میدید و منتظر ختم جریان بود - لذا - پس از آنکه کار یکسره گردید، جریان را حضور برادر زاده خود معروض داشت و با تصمیم و مشورت ابوطالب گروه پناهنده به شب، وارد گریه منازل خود باز گشتند.

دوباره پاره کردن ورقه روایات دیگری نیز وارد شده است، که مطلب را بطور دیگری نقل میکنند که ما برای اختصار از نقل آن خودداری نمودیم.

تشکر و یاد آوری

بدین وسیله از کلیه نمایندگان محترم شهرستانها که با علاقه و صمیمیت هر چه بیشتر در نشر و ترویج این مجله میکوشند تشکر میکنیم و موفقیت همه را از خداوند متعال مسئلت داریم ضمناً یاد آور میشویم مشترکین محترمی که تا بحال وجه اشتراك خود را نپرداخته اند خواهشمند است بوسیله نمایندگان پرداخت فرمایند که بسیار کمک مؤثری باین نشریه و موجب کمال امتنان خواهد بود.



در نظر داشته باشید که پشتیبان این مجله تنها لطف پروردگار و کمک برادران اسلامی است.